

۲۵۳.۷۴۶

نویسنده: بیلی ولمن
مترجم: ام. درخشش

از سری کتاب‌های مختصر و مفید
نگاهی نوبه

رسانش

روایت دگرگونی اروپا از قرون وسطی تا عصر روشنگری

www.ketab.ir

سرشناسه	ولمن، بیلی	Wellman, Billy
عنوان و نام پدیدآور	نگاهی نو به رنسانس؛ روایت دگرگونی اروپا از قرون وسطی تا عصر روشنگری / نویسنده	
مشخصات نشر	بیلی ولمن؛ مترجم ام. درخشش.	
مشخصات ظاهری	تهران: سبزان، ۱۴۰۳.	
شابک	۱۳۶ ص.	
	978-600-117-801-6	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا	
یادداشت	عنوان اصلی:	
	The Renaissance: an enthralling guide to a period of rebirth in arts, science and culture (historical periods). 2023	
عنوان دیگر	روایت دگرگونی اروپا از قرون وسطی تا عصر روشنگری.	
موضوع	رنسانس	Renaissance
	رنسانس — سرگذشتنامه	Renaissance — Biography
	هنر رنسانس	Art, Renaissance
شناسه افزوده	درخشش، ام. ۱۳۵۹ — مترجم	
رده‌بندی کنگره	۳۶۱CB	
رده‌بندی دیویی	۹۳۰/۲۱	
شماره کتابشناسی ملی	۹۸۳۷۵۹۶	
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیا	



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان موسوی (فرست) - ساختمان ۵۴ - تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸ - ۸۸۳۴۷۰۴۴

نگاهی نو به رنسانس

روایت دگرگونی اروپا از قرون وسطی تا عصر روشنگری

• نویسنده: بیلی ولمن

• مترجم: ام. درخشش

• ناشر: سبزان

• خدمات نشر: واحد فنی سبزان

۸۸۳۳۸۹۹۱ - ۸۸۳۱۹۵۵۷

• نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۳

• تیراژ: ۲۰۰ نسخه

• قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: واژه

فروش اینترنتی از طریق سایت آی‌ای‌کتاب www.liketab.com

ISBN: 978-600-117-801-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۸۰۱-۶

فهرست



۵.....	مقدمه مترجم.....
۷.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	فصل اول: اروپا پیش از رنسانس.....
۲۷.....	فصل دوم: تولد دوباره.....
۳۵.....	فصل سوم: جوهرة رنسانس.....
۴۱.....	فصل چهارم: هنر رنسانس ایتالیا.....
۹۵.....	فصل پنجم: علم و فناوری رنسانس.....
۱۰۳.....	فصل ششم: رنسانس شمالی.....
۱۲۱.....	فصل هفتم: پایان رنسانس.....
۱۳۱.....	نتیجه گیری.....
۱۳۳.....	منابع و مراجع.....
۱۳۵.....	نمایه.....

مقدمه مترجم

[۱]

«رنسانس» واژه‌ای فرانسوی به معنای «تولد دوباره» است؛ تولدی که سرآغاز دورانی شگفت انگیز در تاریخ بشر شد. اما چرا باید امروز، در قرن بیست و یکم و در جامعه ایرانی، رنسانس را مطالعه کنیم؟ شاید پاسخ را بتوان در این جمله معروف یافت که «برای فهم امروز، باید دیروز را شناخت». دنیای امروز ما، با تمام پیشرفت‌ها و دستاوردهایش، میراث‌دار مستقیم عصر رنسانس است.

رنسانس فقط یک دوره تاریخی نیست، بلکه داستان دگرگونی ژرف در نحوه اندیشیدن و زیستن انسان است. این دوره که از شهرهای شمالی ایتالیا آغاز شد و به تدریج سراسر اروپا را درنوردید، نقطه عطفی در تاریخ بشر به شمار می‌رود. در این دوران، انسان‌ها یاد گرفتند که می‌توانند به جای پذیرش بی‌چون و چرای سنت‌ها، خود حقیقت را کشف کنند. آن‌ها دریافتند که می‌توانند جهان را نه از دریچه خرافات و تعصب، بلکه با چشم خرد و تجربه بنگرند.

برای ما ایرانیان، مطالعه رنسانس از چند نظر اهمیت ویژه دارد. نخست آنکه تمدن ایرانی - اسلامی، خود در سده‌های میانه یکی از درخشان‌ترین دوران شکوفایی علم و هنر را تجربه کرده بود. در زمانی که اروپا در «قرون تاریک» به سر می‌برد، دانشمندان و هنرمندان ایرانی در مراکز علمی بغداد، ری، و سمرقند مشغول گسترش مرزهای دانش بشری بودند. جالب اینجاست که بسیاری از دستاوردهای علمی تمدن اسلامی از طریق اندلس^۱ (اسپانیای امروزی) به اروپا رسیدند و در شکل‌گیری رنسانس نقش مهمی ایفا کردند.

دوم آنکه مطالعهٔ رنسانس به ما می‌آموزد که چگونه یک جامعه می‌تواند از دل رکود و ایستایی به پویایی و شکوفایی برسد. رنسانس نشان می‌دهد که تحول فرهنگی و اجتماعی پیش از هر چیز نیازمند تحول در شیوهٔ اندیشیدن است. در دوران رنسانس، هنرمندان و دانشمندان به جای آنکه صرفاً گذشته را تکرار کنند، کوشیدند تا با نگاهی نو به میراث گذشته بنگرند و از آن برای ساختن آینده‌ای بهتر بهره بگیرند.

نکتهٔ جالب توجه دیگر نقش محوری هنر در تحولات رنسانس است. هنرمندان این دوره نشان دادند که هنر تنها ابزاری برای سرگرمی یا تزیین نیست، بلکه می‌تواند وسیله‌ای برای شناخت جهان و انسان باشد. نقاشان و مجسمه‌سازان رنسانس با مطالعهٔ دقیق کالبد انسان و قوانین پرسپکتیو^۱ (ژرف‌نمایی)، به درک تازه‌ای از جهان دست یافتند. معماران با الهام از بناهای باستانی، شیوه‌های نوینی در ساخت‌وساز ابداع کردند. شاعران و نویسندگان با بازخوانی متون کهن، به زبانی تازه برای بیان تجربهٔ انسانی دست یافتند.

اما شاید مهم‌ترین درس رنسانس برای ما اهمیت گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها باشد. رنسانس زمانی آغاز شد که اندیشمندان اروپایی به مطالعهٔ آثار تمدن‌های یونان و روم باستان روی آوردند. آن‌ها توانستند با حفظ هویت خود، از دستاوردهای تمدن‌های دیگر بهره بگیرند و آن‌ها را با نیازهای زمانهٔ خود تطبیق دهند. این درسی است که امروز، در عصر جهانی شدن، بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم.

کتابی که پیش روی شماست، تلاشی است برای آشنا کردن خوانندهٔ فارسی‌زبان با یکی از سرنوشت‌سازترین دوره‌های تاریخ بشر. در ترجمهٔ این اثر کوشیده‌ام تا ضمن حفظ امانت در انتقال مفاهیم، متنی روان و قابل فهم برای مخاطب امروزی فراهم آورم. برای درک بهتر مطالب، توضیحات تکمیلی را در پانوشته‌ها آورده‌ام. امید است این اثر بتواند دریچه‌ای به سوی شناخت بهتر رنسانس و درس‌های آن برای جهان امروز بگشاید.

پیشگفتار



امروزه، بیشتر افراد کنجکاو با رنسانس آشنایی دارند؛ دست کم از طریق آثار هنری شگفت‌انگیز لئوناردو داوینچی^۱ و میکل آنژ^۲. شاید این امر طبیعی باشد؛ زیرا نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و معماری دوران رنسانس همواره بازدیدکنندگان خوش‌شانسی را که از نزدیک آن‌ها را تجربه می‌کنند، مسحور خود می‌کنند.

هنرهای تجسمی یکی از شاخص‌ترین جنبه‌های این دوره از تاریخ اروپای قرون وسطی^۳ است که امروزه آن را رنسانس می‌نامیم؛ اما ابعاد بسیار بیشتری برای کشف در این جنبش وجود دارند که حتی ممکن است انسان را دچار سردرگمی کنند. رنسانس از

1. Leonardo da Vinci

2. Michelangelo

3. Middle Ages؛ دوره‌ای هزارساله در تاریخ اروپا بود که از سقوط امپراتوری روم غربی تا آغاز رنسانس را در بر می‌گرفت. این دوره با شکل‌گیری نظام فئودالی (سیستم اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر مالکیت زمین و روابط ارباب - رعیتی) همراه بود که در آن، جامعه به سه طبقه اصلی تقسیم می‌شد: روحانیون، اشراف جنگجو و رعایا. در این دوران، کلیسای کاتولیک نه فقط مرجع دینی، بلکه مهم‌ترین نهاد آموزشی، فرهنگی و حتی سیاسی به شمار می‌رفت. معماری گوتیک با کلیساهای سربه‌فلک‌کشیده، هنر تذهیب در نسخه‌های خطی، شکل‌گیری نخستین دانشگاه‌ها مانند بولونیا، پاریس و آکسفورد و گسترش آیین شوالیه‌گری (سیستم اخلاقی - نظامی که بر شجاعت، وفاداری و احترام به بانوان تأکید داشت) از دستاوردهای شاخص این دوره بودند. همچنین، جنگ‌های صلیبی به تبادلات فرهنگی گسترده با جهان اسلام و شرق منجر شدند که این امر تأثیر عمیقی بر علم، فلسفه و هنر اروپا گذاشت (تمام پاورقی‌های توضیحی افزوده مترجم هستند).

جنبه‌های مختلفی تشکیل شده است که همگی به‌دقت با یکدیگر مرتبط هستند و در کنار هم، یکی از پربارترین، عمیق‌ترین و زیباترین دوره‌های تاریخ اروپا را پدید آورده‌اند. این کتاب قصد دارد با بررسی تمام جزئیاتی که این دوره را به آنچه امروز می‌شناسیم تبدیل کرد و با تحلیل علل و پیامدهای رنسانس، این دوره را معرفی کند.

رنسانس، یا «تولد دوباره»، نامی برازنده است؛ زیرا به معنای بازآفرینی کامل تمدن اروپایی و بیداری از خواب عمیق رکود و بلاتکلیفی ایدئولوژیک، فناوری و اخلاقی بود. یک تولد دوباره کامل از آنچه «اروپا» نماد آن بود رخ داد؛ هرچند شاید برای بسیاری از مردم ناآگاهانه بود. اگرچه امروزه رنسانس به عنوان تلاش قاره اروپا برای پیشرفت شناخته می‌شود، تأثیر آن عمده‌تر در طبقات بالای جامعه اروپایی نمود پیدا کرد؛ در حالی که زندگی فقیرترین اقشار تقریباً بدون تغییر باقی ماند.

با این حال، پس از هرج و مرجی که پس از سقوط امپراتوری روم غربی — ستون اصلی تمدن و ثبات قاره برای صد سال — اروپا را فرا گرفت، این رنسانس بود که با احیای تمدن اروپایی و بازگرداندن آن از اعماق قرون تاریک که بلافاصله پس از سقوط روم آغاز شده بود، به عنوان مسیر درست شناخته شد.

متفکران رنسانس دوران خود را با دانش از دست‌رفته یا فراموش‌شده جهان باستان، یونانیان و رومیان باستان پیوند دادند که سرشار از شکوه و ثبات بود و انسان را در مرکز جهان قرار می‌داد. آنچه رنسانس را ویژه می‌کرد این بود که این موضوع را تشخیص داد و از خلأ ایدئولوژیکی که در جهان پس از روم به دلیل مهاجرت اقوام جدید، نابودی ساختارهای قدرت قدیمی و استقرار مسیحیت به عنوان مرکز جدید اخلاقی جهان به وجود آمده بود، عبور کرد.

در نهایت، این تولد دوباره فراتر از ارزش‌های اروپایی و بازگرداندن انسان به مرکز صحنه بود. این دوران همچنین عصر پیشرفت‌های علمی بی‌نظیری بود که با انتشار دانش از شرق و اشتیاق دائمی برای یادگیری بیشتر و گسترش افق‌های فکری شتاب گرفتند. کشفیات و نظریه‌های جدید درک مردم از جهان را دگرگون کردند. نظریه‌های

نیکولاس کوپرنیک^۱، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان لهستانی، مدل زمین مرکزی^۲ (نظریه‌ای که زمین را مرکز عالم می‌دانست) را که قرن‌ها پذیرفته شده بود و زمین را مرکز جهان می‌دانست، به چالش کشیدند.

در عوض، کوپرنیک از نظر ریاضی ثابت کرد که در واقع این زمین و سیارات هستند که به دور خورشید می‌چرخند - نظریه‌ای که در ابتدا توسط کسانی که بیشترین خطر را برای آن‌ها داشت، یعنی رهبران کلیسای کاتولیک، به شدت محکوم شد. در قرن شانزدهم، گالیلئو گالیله^۳، دانشمند ایتالیایی، با کمک به درک ما از جهان طبیعی، پایه‌گذاری روش علمی که امروزه بسیار محترم شمرده می‌شود، تکمیل تلسکوپ و یافتن شواهد بیشتر برای جهان خورشیدمرکزی، سهم بزرگی در پیشرفت علم داشت. این نوآوری‌های علمی و ریاضی و بسیاری دیگر به رنسانس شتاب بخشیدند و معنای جدیدی به آن دادند. انسان در مرکز توجه قرار گرفت و کنجکاو و قادر به غلبه بر مشکلات شد، چه از طریق فضایل خود و چه از طریق علم و یادگیری.

این کتاب یکی از سرنوشت‌سازترین دوره‌های تاریخ جهان را روایت می‌کند: رنسانس. دوره‌ای شگرف که زندگی مادی و معنوی اروپا را از بنیاد دگرگون کرد و دریچه‌های نوینی را به سوی اندیشه، جهان‌بینی و کشف ناشناخته‌ها گشود. فصل نخست کتاب، در جایگاه مقدمه، تصویری جامع از اروپای پیش از رنسانس را ترسیم می‌کند تا خواننده بتواند دگرگونی‌های ژرفی را که از اواخر سده سیزدهم میلادی آغاز شدند، به‌روشنی درک کند.

۱. Nicolaus Copernicus: ستاره‌شناس لهستانی و واضع نظریه خورشیدمرکزی

۲. Geocentric model: مدل زمین مرکزی یا نظریه بطلمیوسی، منسوب به بطلمیوس، دانشمند یونانی قرن دوم میلادی، نظریه‌ای باستانی در علم نجوم بود که بیش از ۱۵۰۰ سال بر تفکر علمی و مذهبی جهان حاکم بود. بر اساس این نظریه، زمین در مرکز عالم ثابت بود و خورشید، ماه، سیارات و ستارگان در مدارهایی دایره‌ای به دور آن می‌چرخیدند. این مدل شامل نه فلک بود که هریک در برگیرنده یک جرم آسمانی بودند: فلک ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل، ستارگان ثابت و فلک الافلاک (بیرونی‌ترین فلک که همه را در بر می‌گرفت).

3. Galileo Galilei

بخش میانی کتاب تحولات بنیادین رنسانس را به طور دقیق کالبدشکافی می‌کند؛ از دگرگونی‌های سیاسی گرفته تا تحولات اجتماعی و اقتصادی که چهره‌ی قاره‌ی اروپا را یک‌سره دگرگون کردند. در این مسیر، با چهره‌های درخشان رنسانس آشنا خواهیم شد: خاندان پرنفوذ مدیچی^۱، خاندان قدرتمند و هنردوست حاکم بر فلورانس^۲ که حامی بزرگ هنرمندان بودند، هنرمندان والامقامی همچون نقاش و معمار چیره‌دست، رافائل^۳ و بوتیچلی^۴ استاد نقاشی فلورانس، اندیشمندان ژرف‌نگری همچون اراسموس^۵ و لوتر^۶، بنیان‌گذار نهضت پروتستان و دانشمندان پیشگامی همچون گالیله. این شخصیت‌های برجسته، هریک به نوبه‌ی خود، در شکل‌دهی به جنبشی که امروز آن را رنسانس می‌نامیم، نقشی اساسی ایفا کردند. با بررسی موشکافانه‌ی مهم‌ترین دستاوردهای فکری و فناوریانه‌ی این دوران، تفاوت‌های ژرف میان اروپای رنسانس و اروپای قرون وسطی را آشکار خواهیم کرد. در نهایت، کتاب با ارزیابی دقیق و همه‌جانبه‌ی تأثیرات ماندگار رنسانس بر سرنوشت قاره‌ی اروپا و پویایی‌های اجتماعی - سیاسی پس از سده‌ی شانزدهم میلادی به پایان می‌رسد.

1. Medici

۲. Florence: شهری در ایتالیا، مرکز هنری رنسانس

3. Raphael

4. Botticelli

۵. Erasmus: دانشمند و اومانیست هلندی (۱۴۶۶-۱۵۳۶ میلادی)

۶. Luther: رهبر اصلاحات پروتستان در آلمان (۱۴۸۳-۱۵۴۶ میلادی)